

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: ابو الفضل وفایان

تاریخ: ۱۳۹۶/۶/۳۱

در روستاها رسم شده که گوش سگ گله را در کوچکی می‌برند تا در مبارزه با گرگ یا سگ‌های دیگر قوی‌تر باشد و یا قسمتی از گوش دام‌های خود را جهت شناخته شدن در گله می‌برند. لطفاً بفرمایید آیا این کار، امری شیطانی است یا مباح است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۷/۷

بریدن گوش حیوانات، تغییر دادن خلقت اصلی و طبیعی آنان بدون ضرورت است که کاری شیطانی محسوب می‌شود؛ چنانکه خداوند صریحاً آن را از اهداف شیطان شمرده و از قول او فرموده است: «وَأَضَلَّنَّهُمْ وَلَأْمَنَّا بَهُمْ فَلْيُبَيِّتْكُنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَأْمُرْنَهُمْ فَلْيَغْيِرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ»^۱؛ «و هرآینه آنان را گمراه می‌کنم و هرآینه آنان را آرزومند می‌سازم و هرآینه آنان را امر می‌کنم، پس گوش‌های چهارپایان را می‌برند و هرآینه آنان را امر می‌کنم، پس خلقت خداوند را تغییر می‌دهند»^۲. از اینجا دانسته می‌شود که در بریدن گوش حیوانات، مصلحتی وجود ندارد و مصلحت موهوم در آن، ناشی از تزئین شیطان است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «فَزَيْنٌ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ»^۳؛ «پس شیطان اعمالشان را برایشان زینت داد»؛ با توجه به اینکه شیطان خیرخواه بنی آدم نیست، بلکه دشمن آنان است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»^۴؛ «هرآینه شیطان برای انسان دشمنی آشکار است» و با این وصف، اگر در بریدن گوش حیوانات، مصلحتی وجود داشت، هرگز آنان را به آن امر نمی‌کرد؛ همچنانکه هیچ ملازمه‌ی قطعی و ثابتی میان بریدن گوش سگ و افزایش قدرت آن وجود ندارد و بریدن گوش چهارپایان،

۱. النساء / ۱۱۹

۲. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۹۱.

۳. النحل / ۶۳

۴. یوسف / ۵

بی‌رحمانه‌ترین شیوهی ممکن برای متمایز کردن آن‌هاست. از این رو، واجب است که این کار شیطانی ترک شود و با بهانه‌های واهی و پندارهای عامیانه روا داشته نشود؛ چنانکه دو تن از یارانمان ما را خبر دادند، گفتند:

«أَرَدْنَا أَنْ نَشْتَرِيَ غَنَمًا لِأَهْلِيْنَا فَسَأَلْنَا الْمَنْصُورَ أَنْ يُرَافِقَنَا فَرَافَقَنَا حَتَّى دَخَلْنَا سُوقَ الْأَنْعَامِ فَقَالَ لِصَاحِبِ الْأَغْنَامِ: إِعْرِضْ عَلَيَّ، فَعَرَضَ عَلَيَّ غَنَمًا قَدْ قُطِعَ أُذُنُهُ فَرَدَّهُ وَقَالَ: هَذَا غَنَمٌ قَدْ قُطِعَ الشَّيْطَانُ أُذُنُهُ، ثُمَّ عَرَضَ عَلَيَّ آخَرَ قَدْ شُقُّ أُذُنُهُ، فَرَدَّهُ وَقَالَ: هَذَا غَنَمٌ قَدْ شُقُّ الشَّيْطَانُ أُذُنُهُ، ثُمَّ عَرَضَ عَلَيَّ آخَرَ سَالِمًا فَقَالَ: زَنَّهُ، فَوَزَنَهُ فَكَانَ أَقْلَ مِنْ ثَلَاثِينَ كِيلُو غَرَامًا فَقَالَ لَنَا: اشْتَرِيَاهُ، فَاشْتَرَيْنَاهُ، ثُمَّ قَالَ لَنَا: ادْبَحَاهُ، فَدَبَحْنَاهُ ثُمَّ سَلَخْنَاهُ وَعَرَلْنَا جِلْدَهُ وَرَأْسَهُ وَسُوقَهُ وَكَبِدَهُ وَمَا فِي بَطْنِهِ لِنُقَسِّمَ لَحْمَهُ خَالِصًا وَنَحْنُ نَزْجُو أَنْ يَكُونَ نِصْفَ وَزْنِ الْغَنَمِ كَمَا هُوَ الْعَادَةُ فَقُلْنَا لِلْمَنْصُورِ: لَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ أَنْ يُبَارِكَ لَنَا فِي لَحْمِنَا هَذَا فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِي لَحْمِهِمْ هَذَا إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ، فَوَزَنَاهُ مَرَّةً أُخْرَى فَوَجَدْنَاهُ أَكْثَرَ مِنْ خَمْسَةِ وَثَلَاثِينَ كِيلُو غَرَامًا وَهُوَ لَحْمٌ خَالِصٌ لَا جِلْدَ مَعَهُ وَلَا رَأْسَ وَلَا سُوقَ وَلَا كَبِدَ وَلَا مَا فِي الْبَطْنِ! فَقُلْنَا: اللَّهُ أَكْبَرُ! زَادَ وَزْنُ اللَّحْمِ عَلَيَّ وَزْنِ الْغَنَمِ! فَقَالَ: هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَزْرُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَكَلُّوا مِنْهُ وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ!»؛ «ما تصمیم گرفتیم که برای خانواده‌ی مان گوسفندی بخریم، پس از منصور خواستیم که با ما همراهی کند، پس با ما همراهی کرد، تا اینکه به بازار دام وارد شدیم، پس به صاحب گوسفندها فرمود: بر من عرضه کن، پس گوسفندی را بر او عرضه کرد که گوشش بریده شده بود، پس آن را رد کرد و فرمود: این گوسفندی است که شیطان گوشش را بریده است، سپس گوسفند دیگری را بر او عرضه کرد که گوشش شکافته شده بود، پس آن را رد کرد و فرمود: این گوسفندی است که شیطان گوشش را شکافته است، سپس گوسفند دیگری را بر او عرضه کرد که سالم بود، پس فرمود: آن را وزن کن، پس آن را وزن کرد، پس کمتر از سی کیلوگرم بود، پس به ما فرمود: آن را بخرید، پس آن را خریدیم، سپس به ما فرمود: آن را ذبح کنید، پس آن را ذبح کردیم و سپس پوست کندیم و پوست و کله و پاچه‌ها و جگر و هر چه در شکم آن بود را کنار گذاشتیم تا گوشت خالص آن را تقسیم کنیم و امید داشتیم که وزنش طبق عادت نصف وزن گوسفند باشد، پس به منصور گفتیم: کاش به درگاه خداوند دعا می‌کردی تا برای ما در این گوشتمان برکت دهد، پس دست خود را بر روی آن نهاد و فرمود: خداوند! برای آن‌ها در این گوشتشان برکت بده؛ چراکه تو بسیار بخشاینده هستی، سپس دست خود را برداشت، پس آن را بار دیگر وزن کردیم، پس آن را بیش از سی و پنج کیلوگرم یافتیم،

در حالی که گوشت خالص بود و پوست و کله و پاچه‌ها و جگر و چیزی که در شکم است با آن نبود! پس گفتیم: الله اکبر! وزن گوشت از وزن گوسفند بیشتر شد! پس فرمود: آن از نزد خداوند است، هرآینه خداوند هر کس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد، پس از آن بخورید و به مستمند نیازمند إطعام کنید».

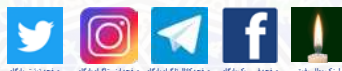


پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جعفر سبحانی
 مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جعفر سبحانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.